



تغییر قبله به سمت کعبه معظمه برای دشمنان اسلام شکننده بود

تغییر قبله در نیمه ماه رجب یا شعبان سال دوم هجرت اتفاق افتاد؛ زمانی که پیامبر در بنی سلمه بن عوف نماز می‌خواند، وحی شد به سوی کعبه نماز بخواند و پیامبر دو رکعت باقی‌مانده را به آنسوی خواند.

تغییر قبله در نیمه ماه رجب یا شعبان سال دوم هجرت اتفاق افتاد؛ زمانی که پیامبر در بنی سلمه بن عوف نماز می‌خواند، وحی شد به سوی کعبه نماز بخواند و پیامبر دو رکعت باقی‌مانده را به آنسوی خواند.

به گزارش خبرنگار مهر، دشمنی صهیونیست‌ها با مسلمانان مربوط به امروز و دیروز نیست، این دشمنی ریشه تاریخی دارد که از زمان بنی اسرائیل و تا زمان ظهور اسلام و امروز که آن را در شکل‌گیری دولت جعلی اسرائیل می‌بینیم در سرزمین‌های غرب خاورمیانه وجود داشته است. حجت الاسلام محمد عابدی عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشگر قرآنی در گزارشی مفصل به موضوع یهود در تاریخ اسلام و قرآن پرداخته و به تفصیل آن را در چند بخش در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است که در چند بخش تقدیم خوانندگان می‌گردد. دشمنی و تقابل یهودیان علاوه بر اینکه در سال‌های بعد از تشکیل حکومت اسلامی پیامبر تشدید شد، تغییر شکل هم یافت، از جمله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

نقض پیمان و تعهد و فتنه‌گری

در سال دوم یهودیان در چند مورد به معارضة با مسلمانان روی آوردند و متن پیمان نامه خود با پیامبر را نقض کردند. برای مثال برای تعقیب کاروان تجارتی قریش، در رجب سال دوم هجرت، هشتاد نفر از مهاجران به فرماندهی عبدالله بن جحش از سوی پیامبر اعزام شدند. مسلمانان بعد از طی مراحل، بین دو کار متخیر ماندند؛ یکی اینکه اگر آن روز را که پایان رجب بود، صبر می‌کردند، ماه حرام تمام می‌شد ولی ممکن بود قافله قریش وارد حرم شوند و مسلمانان نتوانند در حرم بجنگند. از یک طرف، اگر در همان روز می‌جنگیدند، جنگ آن‌ها در ماه حرام واقع می‌شد. سرانجام آنان جنگ در ماه حرام را ترجیح دادند. وقتی خبر به پیامبر رسید ناراحت شد و فرمود: من هرگز دستور نداده بودم در ماه حرام جنگ کنید. یهودیان کوشیدند در سایه این اختلاف، فتنه جدیدی ایجاد کنند. سرانجام با نزول آیه ۲۱۷ سوره بقره این فتنه ناکام ماند.

خود برتر بینی در مسئله قبله

یکی از شگردهای یهودیان برای اصرار نشان دادن دین خود، این بود که به مسلمانان می‌گفتند: پیامبر شما چیزی ندارد و همه چیز او از ماست؛ با این که مخالف دین ماست، به سوی قبله ما نماز می‌خواند. با مطرح شدن تغییر قبله، «تَقْلُوبُكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا» قَوْلٌ وَحْدَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ «تو را به سوی قبله ای که می‌پسندی، می‌گردانیم. پس روی به جانب مسجدالحرام کن. ۳. قومیی ی تغییر ناپذیر و پایدار بر گمراهی! در مورد همین مسئله تغییر قبله قرآن در آیه ای دیگر سخنان سفیهانه یهودیان را رد کرد: «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا» قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ «از مردم آنان که سفیه اند، خواهند گفت: چه چیز آن‌ها را از قبله ای که رو به روی آن می‌ایستادند برگردانید؟ بگو: مشرق و مغرب، از آنِ خداست و خدا هرکس را بخواهد، هدایت می‌کند». این رویداد در نیمه ماه رجب یا شعبان سال دوم هجرت اتفاق افتاد؛ زمانی که پیامبر در بنی سلمه بن عوف نماز می‌خواند، وحی شد به سوی کعبه نماز بخواند و پیامبر دو رکعت باقی‌مانده را به آن سوی نماز خواند. اعلام این دستور الهی چنان برای یهود شکننده بود که عده ای از اشراف خود را نزد پیامبر فرستادند که: اگر قبله ات را برگردانی، از تو پیروی خواهیم کرد. ولی خداوند در آیه ای از سوره بقره پاسخ مجدد به آن‌ها داد و فرمود: برای اهل کتاب هر برهان و نشانه ای که بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد و تو نیز از قبله آن‌ها پیروی نمی‌کنی و آن‌ها هم پیرو قبله یکدیگر نخواهند بود. هرگاه پس از آگاهی پی‌خواهش‌های ایشان بروی، از ستمکاران خواهی بود.

بعد از پایان نبرد بدر، نیرومند شدن اسلام یهودیان را به شدت به هراس انداخت. یهودیان بنی قینقاع بیش از همه در هول و هراس بودند. آنان قدرت اقتصادی مدینه را در دست داشتند و با یهودیان خیبر و وادی القری که خارج از مدینه بودند، از حیث موقعیت فرق داشتند. لذا کوشیدند به شیوه‌های مختلف جبهه اسلام را کم‌رنگ کنند. از این روی از طرق مختلف مانند سرودن اشعار توهین آمیز، مسلمانان را آزار می‌دادند. پیامبر (ص) ابتدا میان جمعیت آنان حاضر شد و خواهان پایان یافتن خیانت‌ها شد ولی آنان گفتند: گمان برده‌اید ما نیز مثل قریش از رموز جنگ بی‌اطلاعیم! قدرت فرزندان قینقاع را زمانی می‌فهمید که با آنان به نبرد برخیزید. آنان به این هم اکتفا نکردند و حتی مزاحم یکی از زنان مسلمان شدند. به دنبال خشم مسلمانان، یهودیان به قلعه‌های خود پناه بردند و پانزده روز در محاصره مسلمانان ماندند و سرانجام به قضاوت یکی از باران پیامبر تن در دادند. عبدالله بن ابی منافق که با آنان قبل از اسلام هم پیمان بود به رسول خدا اعتراض کرد، ولی پیامبر تصمیم خود را گرفت و آنان را اخراج کرده و آنان

با تحویل اسلحه و ثروت خود به عبادۀ بن صامت، به وادی القری و از آنجا به نواحی شامات رفتند. و به این ترتیب یک گروه از سه گروه یهودیان مدینه از این شهر خارج شدند.